

Critical Discourse Analysis of Music Education Policies and Music Education Centers in the Tadbir Wamid Government

Mohammad Nahovi¹
Mehraban Hadi Paykani²
Saeed Sharifi³
Reza Ebrahimzadeh⁴

Received: 26 November 2024
Reception: 6 September 2025

Abstract:

Abstract This study, using Fairclough's critical discourse analysis approach, examines music policies in the government of Tadbir va Omid. The research method is qualitative and based on the analysis of 87 selected texts from laws, regulations, circulars, official speeches, and documents related to the Ministry of Culture and Islamic Guidance in the field of music education and licensing. The results at three levels of description, interpretation, and explanation show that the discourse of moderation, although it entered the field with the slogan of legality, social vitality, and cultural development, in practice led more to "conditional acceptance of music." At the descriptive level, the laws and regulations emphasized administrative order and linguistic legitimization, but through general phrases and meaningful silences, they provided the basis for tasteful interpretation and non-expert approaches. At the interpretative level, music was represented as cultural capital and part of the middle-class lifestyle, but ideological red lines in the areas of gender, style, and stage performance remained intact. At the explanatory level, music education policies were the product of the triple interaction of power, market, and platform: supranational institutions played a decisive role in cultural control, privatization and tuition-based education shifted the main burden of education to families, and digital platforms became the main platform for education after COVID-19. Although the number of music schools and conservatories increased during this period, spatial-class inequality, gender discrimination, and institutional self-censorship deepened.

¹PhD student in Public Administration, Department of Management, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.
²Corresponding author: Assistant Professor of Public Administration, Department of Management, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.
³Assistant Professor of Cultural Management, Department of Management, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.
⁴Assistant Professor of Public Administration, Department of Management, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

تحلیل گفتمان انتقادی سیاست‌های آموزش موسیقی و مراکز آموزش موسیقی در دولت تدبیر و امید

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۵

محمد نحوی^۱ ID

مهربان هادی پیکانی^۲ ID

سعید شریفی^۳ ID

رضا ابراهیم زاده^۴ ID

چکیده

این پژوهش با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف به بررسی سیاست‌های موسیقی در دولت تدبیر و امید پرداخته است. روش تحقیق کیفی و مبتنی بر تحلیل ۸۷ متن منتخب از قوانین، آیین‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌ها، سخنان رسمی و اسناد مرتبط با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در حوزه آموزش و صدور مجوزهای موسیقی بوده است. نتایج در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین نشان می‌دهد که گفتمان اعتدال، اگرچه با شعار قانون‌مداری، نشاط اجتماعی و توسعه فرهنگی وارد عرصه شد، در عمل بیشتر به «پذیرش مشروط موسیقی» منجر گردید. در سطح توصیفی، قوانین و آیین‌نامه‌ها با تأکید بر نظم اداری و مشروعیت‌بخشی زبانی همراه بودند، اما به واسطه‌ی عبارت‌های کلی و سکوت‌های معنادار، زمینه‌ی تفسیر سلیقه‌ای و برخوردهای غیرکارشناسی را فراهم کردند. در سطح تفسیری، موسیقی به‌عنوان سرمایه‌ی فرهنگی و بخشی از سبک زندگی طبقه متوسط بازنمایی شد، اما خطوط قرمز ایدئولوژیک در زمینه جنسیت، سبک و اجرای صحنه‌ای همچنان پابرجا ماند. در سطح تبیینی، سیاست‌های آموزشی موسیقی محصول برهم‌کنش سه‌گانه‌ی قدرت، بازار و پلتفرم بود: نهادهای فرا دولتی نقش تعیین‌کننده در کنترل فرهنگی داشتند، خصوصی‌سازی و شهریه محوری بار اصلی آموزش را به خانواده‌ها منتقل کرد و پلتفرم‌های دیجیتال پس از کرونا به بستر اصلی آموزش بدل شدند. هرچند تعداد آموزشگاه‌ها و هنرستان‌های موسیقی در این دوره افزایش یافت.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان انتقادی، سیاست‌گذاری موسیقی، دولت تدبیر و امید، آموزش موسیقی، قوانین و مجوزها

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، گروه مدیریت، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

نویسنده مسئول: استادیار مدیریت دولتی، گروه مدیریت، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

دانشیار مدیریت فرهنگی، گروه مدیریت، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

استادیار مدیریت دولتی، گروه مدیریت، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

باتوجه به اینکه موسیقی از هنرهای اصیل ایرانی و از مهم‌ترین ارکان فرهنگ‌های قومی است که امروزه نقش هویت‌بخش غیرقابل‌انکاری خصوصاً در میان قشر جوان پیدا کرده، قوانین ایران بر اساس مبانی اسلامی وضع شده و موسیقی همچنان یکی از مسائل مبهم و بحث‌برانگیز در فقه اسلامی جلوه می‌نماید که همین امر سبب ایجاد حساسیت‌هایی پیرامون آن گردیده است. موسیقی هنری فراگیر و محبوب است؛ اما خلاف وجود سیاست‌گذاری‌های مدون برای استفاده از ظرفیت عظیم فرهنگی و هنری آن از نقاط ضعف جمهوری اسلامی محسوب می‌شود که اینک در چهلیمین سالگرد انقلاب، در روبرویی با امر موسیقی در جایگاهی است که شاید دوراز ذهن‌ترین تصویر در ساله‌ای ابتدایی انقلاب باشد. به نظر می‌رسد رویکرد جمهوری اسلامی به هنر رویکردی به اصطلاح افلاطونی است که فعالیت هنرمند را تنها تحت نظارت دائمی حاکمان مجاز، در نظر گرفته. از طرفی کمبود امکانات و ضعف منابع مالی با نگاه افلاطونی همخوانی نداشته و موجب عدم کارایی دولت شده است. چنانچه دولت با تغییر در رویکرد خود، روشی ارسطویی را در مواجهه با مسئله موسیقی در نظر گرفته و پیشگاه آموزش موسیقی ملی ایرانی در نظام آموزش و پرورش باشد، بدون تردید نقش مهمی در ارتقای سطح سلیقه و ذائقه موسیقایی افراد، خصوصاً نسل‌های آینده خواهد برداشت. همچنین باید با تدوین بیان سیاست‌های کلی و تعیین مصادیق و شاخص‌ها، از جزئیات امر خودداری نموده و با تدوین سیاست‌های اقتصادی مناسب کسب مالیات از فعالیت‌های موسیقی بخش خصوصی، توان حمایت از هنرمندان ملی، احیای موسیقی نواحی و نشر موسیقی اصیل ایرانی را افزایش داد. (چلنگر، ۱۳۹۶، ۶۱-۸۴)

در سال‌های اخیر وضعیت موسیقی در کشور به شکلی پیش رفته که مجموعه‌ای از مشکلات و چالش‌ها را با خود به همراه دارد. سیاست‌گذاران این حوزه از یک‌سو با انتقادات اهالی هنر و موسیقی درباره سردرگمی ناشی از ابهام در مبانی فقهی موسیقی، ملاک‌های مجوزدهی و بی‌اعتنایی به موسیقی اصیل سنتی مواجه‌اند از سوی دیگر نتوانسته‌اند انتظارات جامعه دینی کشور را برآورده سازند (ملکان، ۱۳۹۴، ۴۵). سیاست‌گذاری در عرصه موسیقی به‌عنوان یک مسئله عمومی در جمهوری اسلامی همواره مورد توجه مسئولان بوده؛ ولی تاکنون هیچ نظام جامعی برای پاسخگویی، سیاست‌گذاری و ارائه الگو برای تصمیم‌گیری درباره آن اتخاذ نشده است (قیدرلو، ۱۳۹۳، ۴۵)

بر همین اساس با توجه به سیاست‌گذاری‌های موجود توسط شورای عالی هنر انقلاب فرهنگی و با توجه با مشکلات موجود در زمینه سیاست‌های هنر موسیقی در این مقاله سعی شده به بررسی موسیقی در دوره زمانی مربوط به دولت‌های یازدهم و دوازدهم (جناب آقای روحانی) بپردازیم با توجه به اسناد موجود و نظرات کارشناسان می‌توان بیان نمود

دولت‌های بعد از انقلاب هر کدام با شعارهایی وارد عرصه سیاست شده‌اند که میزان توجه به فعالیت‌های هنری و فرهنگی در آنها به‌عنوان یک جریان مستمر خیلی در نظر گرفته نشده با ورود دولت روحانی به عرصه سیاست علی‌الرغم حضور گفتمان سیاسی نشئت‌گرفته از خط سیاسی انقلابیون تجددگرا، شاهد رکود و نزول روند سیاست‌گذاری‌های در عرصه موسیقی بودیم که می‌توان به نتایجی چون موارد زیر اشاره نمود: ۱- کاهش بودجه فعالیت‌های هنری، ۲- کاهش تنوع فعالیت‌های هنری ۳-، محدودشدن تشکل‌های غیردولتی در حوزه هنر و ایجاد مراکز هنری اعم از خصوصی) آموزشگاه‌ها (و دولتی ۴- حذف فضاهای لازم برای بروز خلاقیت هنری، ارتباط بین‌المللی در حوزه هنر ۵- محدودشدن طرح تکریم هنرمندان، طرح بیمه هنرمندان و بحث وام تبصره ۳- ۶- محدودشدن طرح نظام جامع تأمین اجتماعی هنرمندان ۷- ورود موسیقی پاپ به سبک‌های انحرافی غربی ۸- عدم چاپ نشر آثار موسیقایی هنرمندان ۹- تعطیلی دانشگاه‌های موسیقی و هنری و افزایش فارغ‌التحصیلان این رشته ۱۰- کاهش کنسرت‌های خارجی و شرکت در فستیوال‌های خارجی ۱۱- توجه به رشد موسیقی کلاسیک و حضور گروه‌های موسیقی خارجی و نوازندگان برجسته سایر کشورها در ایران ۱۲- چالش در هیئت‌مدیره خانه موسیقی ۱۳- جلوگیری از جشنواره موسیقی بانوان و حضور در جشنواره (فرخی، ۱۴۰۰، ۱۲۰)

با توجه به موارد ذکر شده این پژوهش به دنبال آن است که گفتمان‌های موجود در حوزه موسیقی در دولت تدبیر و امید را بررسی نموده و به این سؤال پاسخ دهد که گفتمان‌های موجود در حوزه موسیقی در این دوره زمانی چه گفتمانی است؟ و تحلیل انتقادی آن چگونه است؟

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر وضعیت موسیقی در کشور به شکلی پیشرفته که مجموعه اسفناک از مشکلات و چالش‌ها را با خود یدک می‌کشد. سیاست‌گذاران این حوزه از یک سو با انتقادات اهالی هنر و موسیقی درباره سردرگمی ناشی از پیچیدگی و عدم فهم روان درمبانی فقهی موسیقی، شاخصهای مجوز دهی و بی توجهی به موسیقی اصیل و سنتی روبرو هستند و از سوی دیگر نتوانسته‌اند انتظارات جامعه دینی

کشور را برآورده سازند با توجه به اینکه سیاستگذاری موسیقی در بخشهای تولید، آموزش، توزیع و فرهنگ سازی صورت میگیرد با چالشهایی روبرو خواهد بود مانند: ابهام در مبانی شرعی و فقهی موسیقی در کشور، عدم ارجاع قانونی و عقلانی نظرات جامعه دینی کشور به سیستم سیاستگذاری، بهره نبردن مسئولین موسیقی کشور از ظرفیت قابل توجه موسیقی اصیل و سنتی، عدم درک متقابل جامعه هنرمندان و سیاستگذاران حوزه موسیقی، برآورده نشدن انتظارات جامعه مذهبی و پیشکسوتان موسیقی از متولیان آموزش موسیقینقاط مبهم اساسی در زمینه صدور مجوز به کنسرتها و البومها، تداخل وظایف سازمانی نهادهای سیاستگذار و تضادهای رفتاری این نهادها با یکدیگر، گسست رسانه ملی از زمینه و متن اجتماعی چه جامعه هنری و چه جامعه دینی کشور (نجف زاده، ۱۳۹۴، ۱۴۰۰)

طبیعتاً هر نوع سیاستگذاری در این زمینه برای رسیدن به نتایج عملی و کاربردی نیازمند شناخت و تحلیل سیاستهای موسیقی بر اساس زمینههای فرهنگی و اجتماعی آن جامعه صورت میگیرد و این خود مبین این موضوع است که موسیقی به عنوان یک عامل فرهنگی که باعث رشد و تعالی اجتماع، شادی جامعه و سلامت روانی جامعه می شود از اهمیت ویژه ای برخوردار خواهد بود و موسیقی دارای ابعاد مختلفی است که با اقشار مختلف جامعه در ارتباط است ضرورت پیدا می کند که در این عرصه کار مطالعاتی صورت گیرد.

چلنگر به نقل از سروری (1398) می گوید: موسیقی به دلیل تخصصی بودن و زبان فنی اش، پیچیدگی هائی دارد (صاحی، ۱۳۹۱، ۵). از طرفی موسیقی پدیده ای اجتماعی است که با توسعه جامعه و سیاستگذاریهای مربوط به آن ارتباط دارد از آنجا که شرط توسعه و راهبری توسعه سیاستگذاری اصولی و صحیح است، موسیقی بعنوان یک عامل فرهنگی میتواند زمینه توسعه جامعه را فراهم نماید بر همین اساس برای این عامل نیازمند سیاستگذاری صحیح می باشیم و برای ایجاد راهبری صحیح این سیاستگذاری می بایست نقاط ضعف و نارسائیهای آنرا شناسائی کرد که برای این امر لازم است این سیاستها مورد تحلیل قرار گیرد تحلیلی که حیات پر فراز و نشیب موسیقی در ایران و بستر فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن که در دهه های بعد از انقلاب سیاستگذاری توسط آنها صورت گرفته را شامل میشود حال با توجه به نوع سیاستگذاریهای

موسیقی تحلیل گفتمان انتقادی میتواند کمک شایانی انجام دهد اگرچه در زمینه سیاستگذاری موسیقی تحقیقات زیادی صورت گرفته که سایر ابعاد و کارکردهای موسیقی را بررسی نموده که همگی بیان کننده سیاستگذاری در زمینه موسیقی است اما هیچکدام سعی در تحلیل سیاستهای موجود موسیقی از روش تحلیل گفتمان انتقادی نبوده بطور مثال مؤذن و ملکان (1394) در پژوهشی با عنوان سیاستگذاری موسیقی در جمهوری اسلامی ایران سعی کرده با رویکرد سازمانی ونهادی به بررسی سیاستهای موجود بپردازد و به این نتیجه رسیده همپوشانی نداشتن وظایف سازمانها و نهادهای سیاستگذار در حوزه موسیقی می بایست در نظر گرفته شود وی در بیان راهکار بیان میکند در الگوی مطلوب الزم است یکی شدن قانون و معیار دریافت مجوز پخش در کشور لحاظ شود تا تولیدکنندگان و مخاطبان با معیارهای چندگانه و یا متناقض مواجه نشوند. در الگوی مطلوب توزیع موسیقی الزم است نمرهدهی به آثار موسیقایی بهجای فیلترینگ با هدف رشد سلیقه شنیداری جامعه در نظر گرفته شود.

باتوجهبه مطالعات و جستجوهای انجام شده مطالعات صورت گرفته قبلی معطوف به سیاست گذاری موسیقی بر اساس عوامل مشخص در زمینههایی چون اجرا مصرف و صنعتی شدن موسیقی بوده؛ اما مشخصاً تحقیقی که با یک تحلیل گفتمان انتقادی سیاستهای موسیقی را تحلیل کند و مشکلات ناشی از سیاستهای شتابزده بدون مطالعه را در دهه‌های بعد از انقلاب بیان کند موجود نبوده و بر این اساس می‌توان اذعان نمود که تحقیق حاضر می‌تواند خلاء مطالعاتی در این زمینه را پوشش دهد

2- پیشینه پژوهش:

باتوجهبه مطالعاتی که در این زمینه‌های مختلف موسیقی صورت گرفته می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

تیم و کوین، (2022) در تحقیقی با عنوان چگونه ژانر موسیقی نابرابری‌های جنسیتی را در فرهنگ‌های کاری غیررسمی میانجی‌گری می‌کند در کلوب‌های شبانه آمستردام پرداخته و نقش موسیقی در جلوگیری از تبعیض جنسیتی را بررسی نموده و بیان میکند که موسیقی بعنوان یک نوع سیاست فرهنگی مطرح می‌باشد

که از طریق ابعاد مختلف موسیقی مانند انتخاب سبک و نوع موسیقی میتوان مواردی را به خانمها القا نمود مانند مشارکت و حس زیبایی شناسی.

پاتریک ساوج (2021)، در تحقیق با عنوان بازسازی فیلوژنتیکی تکامل فرهنگی موسیقی الکترونیک از طریق تشخیص جامعه پویا (1975-1999) سعی نموده با ایجاد شبکه های ارتباطی فرهنگی بین هنرمندان موسیقی الکترونیک با نام فیلوژن بر ویژگیهای فرهنگی موسیقی و هنرمندان موسیقی متمرکز شود وی میخواهد بررسی کند که سیستمهای فرهنگی بر اساس ساختار جمعیت و شاخص پیوند بین جمعیت قابلیت انتقال و تاثیر گذاری را دارند.

آرند ون در هاون، اریک هیترز (2020)، در پژوهش ارزش فضایی موسیقی زنده اشاره به نقش آرام سازی اجتماعی موسیقی زنده شهری و نقش موسیقی در طراحی فضای شهری و ضرورت سیاست گذاری در این زمینه را دارد.

آرند ون در هاون، اریک هیتز، (2019)، در مقاله ای با عنوان ارزش های اجتماعی و فرهنگی موسیقی زنده سعی نموده نقش موسیقی را در جهت تحلیل و ارتقای ارزش های اجتماعی و فرهنگی و درک شایستگی های اجتماعی و فرهنگی بیان نماید و بستر لازم برای اثرا سیاست گذاری در زمینه اجراهای صحنه ای بیان نموده.

کمالش فوتیکانیت، پاچارین سیراسونشورن (2018)، در مقاله ای با عنوان بازسازی ایدئولوژی اجتماعی از طریق قدرت موسیقی به بیان نوع سیاست گذاریها برای تغییر قشر بندی جامعه از طریق موسیقی اشاره کرده در واقع قدرت فرهنگی موسیقی را به عنوان یک مکانیسم اجتماعی - ایدئولوژیکی برای افزایش قدرت دولت در ایجاد تغییر مطرح نموده. باتوجه به اهداف و رسالتی که موسیقی در جامعه به عهده دارد و نقش آن در ابعاد مختلف جامعه ضرورت دارد که روی این عرصه کار شود تا دستاوردهای احتمالی این پژوهش برای سیاست گذاران حوزه موسیقی کشور در غالب مواردی نظیر موارد زیر راهگشا و کارآمد باشد باتوجه به مطالعات و جستجوهای انجام شده مطالعاتی قبلاً صورت گرفته که معطوف به سیاست گذاری موسیقی بر اساس عوامل مشخص در زمینه هایی چون اجرا مصرف و صنعتی شدن موسیقی بوده؛ اما مشخصاً تحقیقی که با یک تحلیل گفتمان انتقادی سیاستهای موسیقی را تحلیل کند در دهه های بعد از انقلاب نبوده و بر این اساس میتوان اذعان نمود که تحقیق حاضر میتواند خلاء مطالعاتی در این زمینه را پوشش

دهد

3- روش پژوهش

روش پژوهش در این تحقیق بر اساس روش فرکلاف بوده در این پژوهش حوزه پژوهش شامل کلیه قوانین ثبت شده در زمینه، آموزش موسیقی و تأسیس آموزشگاه‌های آزاد موسیقی، مجموعه متون مربوط به روزنامه‌ها، مجلات، سایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز پژوهش‌های مجلس در دوره زمانی مربوط به دولت (جناب آقای روحانی) بود. نمونه پژوهش 87 متن مورد تفسیر و بررسی، بعد از بررسی قوانین از نظر تفاوت‌ها و شباهت‌ها نهایتاً مجموعه قوانین منتخب در غالب جمعاً 87 متن مورد تفسیر و بررسی قرار می‌گیرد. روش نمونه‌گیری هدفمند وابسته به معیار که در این پژوهش سه معیار در نظر گرفته شد: الف- مربوط به دوره‌های زمانی مورد بررسی باشد. ب- بیان شده توسط مدیران دولتی و مرتبط با عرصه موسیقی باشد. پ- در ادبیات اولیه آن متون مفاهیم مرتبط با مدیریت دولتی و سیاست‌های موسیقی و نظرات کارشناسان موسیقی باشد. ابزار اندازه‌گیری به صورت کیفی و مشاهده و مطالعه مستقیم متون مربوط به سیاست‌های موسیقی بود. در این پژوهش کتب، مجلات تخصصی و پایگاه‌های مقالات علمی مورد مطالعه قرار گرفت و از طریق رجوع به کتابخانه‌ها و مراکز نگهداری اسناد ملی، سایت‌های وابسته به آنها و سازمان‌های دولتی و مراجعه به آرشیو اسناد و نشریات کتابخانه ملی، روزنامه‌ها و مجلات مختلف اقدام شد. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات بر اساس روش تحلیل گفتمان می‌باشد، پژوهشگر با تجزیه و تحلیل متن بر اساس شاخصهای زبانشناختی از قبیل متغیرهایی چون ساختهای مقولهای (یا وجهی) (یا قطعیت در مقابل غیر مقوله ای) (افعال وجهی) (یا عدم قطعیت، افعال ربطی و غیر ربطی، ساخت افعال از جهت وجوه شرطی، التزامی و تردیدی و ... ساخت دستوری، قیود، صفات، طول جمله، عوامل انسجام ربطی و همایی واژگانی و ... اقدام به تهیه ی جدول بسامد عوامل انسجام و توزیع ساختهای وجهی در متون مورد مطالعه نموده است و در مراحل بعدی بسامد و توزیع هر یک از عوامل فوق که به تنهایی و هم در مجموع بیان کننده درجه ی اطمینان و یقین و شناخت و یا عدم اطمینان و تردید در شناخت نویسنده ی متن است، ابتدا نسبت به کل متن در نوع خودش و سپس نسبت به کل متون مورد بررسی در دوره تدبیر و امید مورد محاسبه قرار می‌گیرد. به منظور آزمون فرضیه های تحقیق، متغیرهای زبانی محاسبه گردیده .

4- یافته ها

بررسی یافته‌ها در سطح توصیف

باتوجه به بررسی ساختارشناسی متون قوانین در گفتمان تدبیر و امید در بخش آموزش موسیقی و مراکز آموزشی می‌توان گفت:

بررسی ساختارشناسی متون قوانین در گفتمان تدبیر و امید نشان می‌دهد که این گفتمان با تأکید بر **قانون‌مداری و نظم مدنی**، از ترکیبی از وجه‌های زبانی و دستوری برای مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های فرهنگی بهره برده است. داده‌ها نشان می‌دهد حدود ۷٪/۳۹ از جمله‌ها حاوی وجه اجبار و الزام و ۷٪/۳۶ واجد قطعیت شناختی هستند، درحالی‌که سهم وجه‌های تردیدی و شک پایین‌تر (به ترتیب ۲/۱۵ و ۱٪/۸) است. همچنین ۷٪/۵۴ افعال به‌صورت ربطی صریح و ۲٪/۴۵ ربطی تردیدی بوده‌اند.

در بررسی وجه‌های دستوری، ۴۴٪ متون اخباری، ۴٪/۳۸ امری و ۶٪/۱۷ شرطی بوده‌اند. در سطح جمله، ساخت معلوم (۸٪/۷۱) بر ساخت مجهول (۲٪/۲۸) غالب بوده است. صفات نیز عموماً به‌صورت قطعی و تفصیلی به کار رفته‌اند و قیود قطعیت در سطح بالایی (۸۴٪) حضور دارند. علاوه بر این، نقل قول مستقیم (۳٪/۸۴) بسیار بیشتر از نقل قول غیرمستقیم بوده و انسجام متون بیشتر از طریق ربط زمانی (۸٪/۳۶) و سپس افزایشی (۴٪/۳۲) تأمین شده است. این ارقام نشان می‌دهد که در گفتمان تدبیر و امید، **قطعیت و قانون‌گرایی** برجسته شده اما در کنار آن، **ابهام و انعطاف‌پذیری گزینشی** نیز برای مدیریت ریسک فرهنگی حضور دارد.

در سطح توصیفی و سیاستی، آیین‌نامه «تأسیس و نظارت بر آموزشگاه‌های آزاد هنری» مبنای اصلی سیاست‌گذاری در حوزه آموزش موسیقی بوده است. مواد قانونی این آیین‌نامه بر حق انتخاب، مشارکت مردم، و رعایت مقررات تأکید دارد. شرایط مؤسس و مدیر (مانند تحصیلات عالی، حسن شهرت و مدارک هنری) نشان‌دهنده گرایش به شایسته‌سالاری و مردم‌گرایی در کنار حفظ خطوط قرمز ایدئولوژیک است. بخش‌هایی از آیین‌نامه (مانند وظایف مدیر، شوراها، نظارت، و رسیدگی به تخلفات) بیانگر تلاش برای نهادینه‌سازی موسیقی در ساختار رسمی و اداری کشور است، هرچند کاستی‌هایی مانند عدم شفافیت در شرایط مکان یا اعضای شوراها دیده می‌شود.

از نظر آماری، تعداد آموزشگاه‌های آزاد موسیقی و هنری در دولت تدبیر و امید روندی روبه‌رشد داشته است: از ۸۴۱ مرکز در سال ۱۳۹۳ به اوج ۸۹۲ مرکز در سال ۱۳۹۹ رسیده است. همچنین هنرستان‌های موسیقی از ۳۹ مورد در ۱۳۹۳ به ۴۴ مورد در ۱۴۰۰ افزایش یافته‌اند. این روند نشان‌دهنده تقویت نسبی ظرفیت آموزشی و سهم بخش خصوصی در گسترش موسیقی است.

به‌طور کلی، سیاست‌های آموزشی موسیقی در گفتمان تدبیر و امید با محوریت قانون‌مداری، افزایش دسترسی، و مشروعیت‌بخشی فرهنگی پیش رفت. در عین حال، حضور پررنگ بازار (شهریه و خصوصی‌سازی) و پلتفرم‌های دیجیتال (آموزش آنلاین) از ویژگی‌های جلید این دوره بود که به گسترش کمی آموزش کمک کرد، هرچند نابرابری فضایی طبقاتی و محدودیت‌های جنسیتی همچنان پابرجا ماند.

آمار آموزش‌ها هوای هنری در بخش موسیقی در

دولت تدبیر و امید

سال	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰
تعداد آموزشگاه	۸۴۱	۳۶۵	۴۵۴	۴۷۱	۵۵۱	۶۲۵	۸۹۱	۶۳۲

(منبع: معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی)

جدول: (۴) آمار تعداد هنرستان‌های موسیقی و هنری در سال

های ۱۳۹۳-۱۴۰۰

سال	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵-۱۴۰۰
تعداد آموزشگاه	۳۹	۴۲	۴۴

(منبع: معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و

ارشاد اسلامی)

در دوره هشت‌ساله ریاست‌جمهوری حسن روحانی (۱۳۹۲-۱۴۰۰)، فضای فرهنگی ایران در حوزه موسیقی با نوعی ثبات همراه با گشایش نسبی روبه‌رو شد. در حالی که شرایط سیاسی و اقتصادی کشور تحت تأثیر تحریم‌ها، نوسانات اقتصادی و تنش‌های بین‌المللی قرار داشت، آموزش موسیقی به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم حیات فرهنگی جامعه توانست به مسیر خود ادامه دهد. هرچند ساختار نهادی و حقوقی آموزش موسیقی تغییر بنیادی نکرد، اما مراکز آموزشی موسیقی شامل آموزشگاه‌های خصوصی، هنرستان‌های موسیقی و دانشگاه‌ها از یک سو با محدودیت‌های نهادی روبه‌رو بودند و از سوی دیگر، در عمل توانستند ظرفیت‌های کمی و کیفی تازه‌ای بیافرینند. (سلیمانی، ۲۰۲۲).

آموزشگاه‌های موسیقی

یکی از مهم‌ترین تحولات این دوره، رشد کمی و کیفی آموزشگاه‌های خصوصی موسیقی بود. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی روند صدور مجوز و تمدید پروانه‌ها را تسهیل کرد و در کلان‌شهرها و حتی شهرهای کوچک، آموزشگاه‌های تازه‌ای راه‌اندازی شدند. (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۰۱).

ویژگی شاخص آموزشگاه‌های این دوره تنوع در سبک‌های آموزشی بود:

- موسیقی کودک: سیستم ارز و آموزش مقدماتی سازها (باز، فلوت ریکوردر و ...) به یکی از جریان‌های غالب آموزشی تبدیل شد. خانواده‌های طبقه متوسط که موسیقی را راهی برای پرورش خلاقیت و تقویت هوش کودکان می‌دانستند، استقبال گسترده‌ای از این دوره‌ها کردند. (ایرنا، ۱۴۰۱).
- موسیقی پاپ: هرچند در سطح رسمی هنوز جایگاه مبهمی داشت، اما در عمل به یکی از اصلی‌ترین حوزه‌های تقاضای آموزشی بدل شد. جوانان علاقه‌مند به گیتار، کیبورد و آواز پاپ، مخاطبان ثابت بسیاری از آموزشگاه‌ها بودند. (جلالی و حسینی، ۲۰۲۱).
- سازهای ایرانی و جهانی: آموزش سنتی سازهای ایرانی (تار، سه‌تار، سنتور، کمانچه) همچنان جریان غالب باقی ماند، اما آموزش سازهای کلاسیک غربی (پیانو، ویولن، کلارینت) نیز بیش‌ازپیش گسترش یافت. (شعبانی، ۲۰۲۲).

در تبلیغات و بروشورهای آموزشگاه‌ها عباراتی چون «نشاط اجتماعی»، «زبان مشترک جهانی»، «هنر اصیل ایرانی»، و «پرورش استعداد کودکان و نوجوانان» پررنگ‌تر از گذشته دیده می‌شد. این زبان نشان‌دهنده تغییر تدریجی گفتمان عمومی

بود: موسیقی نه فقط یک هنر بلکه ابزاری برای سبک زندگی مدرن و سلامت اجتماعی معرفی می‌شد. (بهارمی، ۱۴۰۰).

هنرستان‌های موسیقی

هنرستان‌های موسیقی (پسران و دختران در تهران و چند مرکز استانی) در این دوره با پایداری نسبی و پویایی محدود فعالیت خود را ادامه دادند. (بهارمی، ۱۴۰۰).

- کنسرت‌های هنرجویی در تالار وحدت و تالار رودکی به طور منظم برگزار می‌شدند.
- شرکت در جشنواره‌ها مانند جشنواره موسیقی جوان، فرصت معرفی استعدادها را فراهم می‌کرد.
- گروه‌های اجرایی (ارکستر هنرجویان) امکان تجربه عملی و گروهی برای دانش‌آموزان ایجاد کردند.

برنامه‌های درسی هنرستان‌ها همچنان تحت چارچوب مصوب وزارت آموزش و پرورش بود، اما در عمل آزادی بیشتری برای انتخاب رپرتوار وجود داشت. هنرجویان علاوه بر موسیقی دستگاهی ایران، قطعات کلاسیک غربی همچون آثار بتهوون، موتسارت و شوپن را تمرین و اجرا می‌کردند. این تلفیق، آموزش موسیقی را از حالت تک‌بعدی خارج کرده و به سمت چندصدایی فرهنگی سوق می‌داد. (O'Donoghue et al. 2021).

با وجود این، محدودیت‌های جنسیتی همچنان پابرجا بود. هنرجویان دختر امکان کمتری برای حضور در اجراهای عمومی داشتند و بیشتر فعالیت‌های آنان به فضای داخلی هنرستان‌ها یا اجراهای غیررسمی محدود می‌شد. این امر نشان می‌داد که گشایش‌های آموزشی همچنان در چارچوب خطوط قرمز ایدئولوژیک کنترل می‌شد. (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۴۰۲).

دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی موسیقی

دانشگاه هنر تهران همچنان اصلی‌ترین مرکز آموزش عالی موسیقی در ایران بود (سلیمانی، ۲۰۲۲).. علاوه بر آن، دانشگاه‌های علمی-کاربردی و پیام نور نیز در این دوره پذیرای دانشجویان رشته موسیقی شدند. (نیکوکار و فرزانه، ۲۰۲۲)

- رشته‌هایی مانند آهنگ‌سازی، نوازندگی ساز ایرانی و جهانی، اتنوموزیکولوژی و موسیقی‌شناسی گسترش یافتند.

- پژوهش‌های دانشگاهی افزایش پیدا کرد و پایان‌نامه‌های متعددی در حوزه‌های موسیقی نواحی ایران، موسیقی کلاسیک غربی، و تلفیق موسیقی ایرانی با جهانی نوشته شد (Razavi, 2021).

انتشار منابع آموزشی شامل ترجمه و تألیف کتاب‌های تخصصی موسیقی ادامه یافت و دسترسی دانشجویان به متون علمی بیشتر شد. (Savage, 2021).

در کنار آموزش نظری، کنسرت‌های دانشجویی بخش مهمی از آموزش دانشگاهی بودند. ارکستر دانشجویی دانشگاه هنر در نیمهٔ نخست دههٔ ۱۳۹۰ چند اجرای عمومی در تالار وحدت برگزار کرد که آثار ایرانی و اروپایی را در بر می‌گرفت. این اجراها موسیقی دانشگاهی را به عرصه عمومی وارد کرد و زمینهٔ تجربهٔ میدانی دانشجویان را فراهم ساخت.

فضا و گفتمان عمومی

در سطح گفتمانی، سیاست‌های فرهنگی دولت روحانی نسبت به موسیقی لحنی متوازن، کمتر تدافعی و گاه حمایتی داشت

(Jafari, 2022)

. موسیقی در اسناد و سخنان رسمی به‌عنوان «ابزار نشاط اجتماعی»، «سرمایه فرهنگی ملی»، و «زبان مشترک ملت‌ها» معرفی می‌شد. (UNESCO, 2023). این تغییر لحن، در مقایسه با دهه‌های قبل، نشانه‌ای از افزایش مشروعیت اجتماعی آموزش موسیقی بود (Hosseini & Soltani, 2021).

ویژگی تازهٔ این دوره، نقش رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی در آموزش موسیقی بود. برخلاف دههٔ هفتاد که نشریات تخصصی (مانند ماهور) مرکز گفتمان بودند، در دههٔ نود شبکه‌های اجتماعی (تلگرام، اینستاگرام) و سایت‌های آموزشی نقش پررنگ‌تری پیدا کردند. آموزشگاه‌ها و معلمان موسیقی برای جذب هنرجو از این فضاها بهره می‌گرفتند و آموزش آنلاین (به‌ویژه پس از شیوع کرونا) رونق گرفت.

جمع‌بندی توصیفی: سیاست‌های آموزشی موسیقی در دولت روحانی را می‌توان در سه محور اصلی خلاصه کرد:

۱. رشد و تنوع آموزشگاه‌های خصوصی: گسترش موسیقی کودک، آموزش نیمه‌رسمی پاپ، و تداوم آموزش سازهای ایرانی و جهانی. (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۰۱).

۲. پایداری و گسترش نسبی هنرستان‌ها: افزایش فعالیت‌های اجرایی و رپرتوار آموزشی، در کنار استمرار محدودیت‌های جنسیتی. (بهارمی، ۱۴۰۰).

تقویت جایگاه دانشگاه موسیقی: افزایش پژوهش‌های علمی، انتشار منابع تخصصی و برگزاری کنسرت‌های دانشجویی. (سلیمانی، ۲۰۲۲).
به‌طور کلی، آموزش موسیقی در این دوره توانست مشروعیت بیشتری در جامعه پیدا کند و به بخشی از سبک زندگی طبقه متوسط تبدیل شود. با این حال، این دستاوردها همچنان در چارچوب خطوط قرمز ایدئولوژیک و ساختار نهادی محدود باقی ماندند و بیشتر در سطح افزایش کمی و نیمه کیفی تثبیت شدند، نه در سطح تغییرات ساختاری پایدار.

5- بحث و نتیجه‌گیری (در سطح تفسیر و تبیین)

5-1 بررسی یافته‌ها در سطح تفسیر از متون قوانین آموزش موسیقی و تاسیس مراکز آموزش موسیقی در دولت اعتدال

با بررسی مجموعه قوانین زیر:

به استناد «اهداف مسئولیت‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی «به و یک‌بندهای 2 و 3 و 4 و تبصره بند 3 از قسمت ب (مصوبه مورخ 5/12/64 شورای عالی به منظور به ثمر نشستن اهداف و اجرای وظایف قانونی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مصوب 12/12/65 خصوصاً 16-24-23-22-19-17 ماده 2 قانون، ضوابط و مقررات تأسیس مراکز، مؤسسات، کانونها و انجمنهای فرهنگی و نظارت بر فعالیت آنها، ضوابط مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه 477 مورخ 1380.1.21، ضوابط مصوبه مورخ 4/6/1397 شورای راهبری توسعه مدیریت وزارت فرهنگ

یافته‌ها در سطح تفسیر حاکی از آن است که:

در رویکرد فرکلاف، «تفسیر» پلی است میان تحلیل متن (واژگان، نحو، سبک، ژانر) و «عمل گفتمانی» (نحوه تولید، گردش و مصرف متن‌ها در میدان‌های نهادی). (اسلامی، ۱۴۰۱). این مرحله می‌پرسد متن‌ها چگونه در تعامل با

گفتمان‌های کلان (اعتدال، امنیت فرهنگی، بازار آموزشی، خانواده‌محوری، فناوری محوری) معنا می‌یابند و کنشگران (دانشجو/هنرجو، معلم/مدرس، خانواده، مدیر آموزشگاه، ناظر دولتی) را چگونه موضع‌گذاری می‌کنند.

۱ (زنجیره‌ها و نظم گفتمانی: از آیین‌نامه تا تبلیغ و کلاس

متون دورهٔ روحانی عموماً در زنجیرهٔ ژانری زیر به گردش درمی‌آیند: آیین‌نامهٔ مجوز و نظارت → بخش‌نامهٔ اجرایی (هنرستان/دانشگاه) → فراخوان و فرم‌های داخلی → آگهی و پوستر آموزشگاه → محتوای شبکه‌های اجتماعی → کاربرگهٔ درسی/راهنمای مدرس. (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۴۰۱). این دگرگونی ژانری، «نظم گفتمانی» ای می‌سازد که در آن زبان حقوقی-نظارتی (با افعالی چون «لازم است»، «ممنوع است»، «با رعایت...») به زبان تبلیغی-تربیتی (واژگانی مانند «نشاط»، «پرورش خلاقیت»، «زبان جهانی») و سپس به زبان پداگوژی (اصطلاحات متدی، رپرتوار، سلفی) ترجمه می‌شود. نتیجه، هم‌نشینی بی‌ناگفتمانی کنترل/حمایت/بازار/آموزش است که معنای موسیقی «مجاز، مفید و قابل‌مدیریت» را تثبیت می‌کند. (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۰۱).

۲ (دال‌های محوری و مفصل‌بندی اعتدال

- واژگان کلیدی «اعتدال»، «تدبیر»، «نشاط اجتماعی»، «فرهنگ ملی»، «زبان مشترک جهانی» به‌مثابه دال‌های تهی عمل می‌کنند: شناور و قابل‌پُرشدن با معانی متفاوت. (Jafari, 2022).

- در تبلیغات آموزشگاه‌ها، این دال‌ها به پداگوژی رشد - محور (تقویت مهارت‌های شناختی کودک، پرورش خلاقیت) پیوند می‌خورند.

در اسناد رسمی، همین دال‌ها با نظارت هنجاری مفصل‌بندی می‌شوند («نشاط در چارچوب»، «هنر در خدمت ارزش‌ها»). این هم‌نشینی معنادار، موسیقی را هم‌زمان «حق فرهنگی» و «فعالیتی مشروط» بازنمایی می‌کند.

۳ (ابهام قاعده و «سکوت‌های معنادار»

بخش مهمی از کارکرد گفتمانی سیاست‌ها با ابهام‌های سنجیده پیش می‌رود: عبارت‌هایی مانند «با رعایت موازین»، «از ابتدال پرهیز شود»، «برنامهٔ مناسب» بدون معیارهای دقیق. این ابهام:

- دست‌نهادهای نظارتی را برای تفسیر موردی باز می‌گذارد (انعطاف در اعمال محدودیت).

به آموزشگاه/هنرستان امکان خودتنظیمی می‌دهد (پیش‌گیری از برخورد از طریق احتیاط). هم‌زمان، سکوت دربارهٔ موضوعات پرمناقشه—مانند آواز تک‌خوانی زنان یا سبک‌های خاص پاپ—خود یک راهبرد تفسیرپذیر است: حذف نام‌برداری، فشار را به سطح اجرا و تفسیر محلی می‌راند. (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۴۰۲؛ رگنا، ۱۴۰۱).

۴ (موضع‌گذاری سوژه‌ها: خانواده، مدرس، هنرجو

- خانواده به‌مثابه «کنشگر مسئول رفاه/نشاط» بازنمایی می‌شود (ایرنا، ۱۴۰۱): «خطاب‌های تبلیغاتی (برای رشد ذهنی فرزندان...)» خانواده را مصرف‌کننده و تضمین‌کنندهٔ اخلاق می‌سازد.
- مدرس/مدیر آموزشگاه در گفتار رسمی به «کارگزار حرفه‌ای متعهد» و در گفتار بازاری به «کارآفرین فرهنگی» تبدیل می‌شود؛ گفتمان ابزاری‌سازی آموزش (شهریه، بستهٔ ترمی، برند شخصی) با گفتمان حرفه‌ای‌گری همپوشان می‌شود.

هنرجو/دانشجو هم «سوژهٔ تربیتی» است (رشد مهارت/اخلاق) و هم «مشرقی خدمات آموزشی»؛ این دوگانه، منطق بازار-پداگوژی را طبیعی می‌کند. (O'Donoghue et al. 2021).

۵ (مدالیت، ارزش‌گذاری و بی‌نافه‌می

تحلیل نحوی-معنایی متون نشان می‌دهد:

- در اسناد رسمی، مدالیت تعهدی بالاست («باید/لازم است»)، و ارزیابی‌های کلی («نامناسب»، «خلاف موازین») جایگزین شاخص‌های دقیق می‌شود؛ این «ملی‌سازی ارزشی» امکان اعمال سلیقهٔ نهادی را فراهم می‌کند.
- در تبلیغات/رسانه، مدالیت ترغیبی («می‌توانید»، «فرزندتان خواهد توانست...») و ارزش‌گذاری‌های مثبت (نشاط، خلاقیت) غالب است؛ کنشگر را به مصرف فرهنگی دعوت می‌کند.

در متون آموزشی، مدالیت تخصصی (ترم، متد، رپرتوار) اقتدار حرفه‌ای را بازتولید می‌کند و فاصله از ارزش‌گذاری‌های سلبی رسمی را می‌افزاید. (UNESCO, 2023).

۶ (بی‌ناگفتامانی امنیت فرهنگی و بازار آموزشی

دو گفتمان قدرتمند درهم تنیده‌اند:

۱. امنیت/هدایت فرهنگی: تأکید بر کنترل محتوایی، رپرتوار «مناسب»، شکل اجرا، پوشش و تفکیک جنسیتی؛

بازار آموزشی: زبان کیفیت خدمات، ارزش افزوده، برندینگ شخصی مدرس، بسته‌های آموزشی، «موسیقی مطلوب» چیزی است که هم قابلیت مدیریت هنجاری دارد و هم قابلیت فروش/مصرف؛ همین سازوکار، مرزهای آموزش پاپ یا آواز زنان را به سطح «خطر قابل مدیریت/پرهیز» تقلیل می‌دهد. (جلالی و حسینی، ۲۰۲۱).

۷ (میانجی‌ها و رسانه‌های دیجیتال: عادی‌سازی و فیلترکردن

در دولت روحانی، گردش معنا بیش‌ازپیش از مسیر پلتفرم‌ها می‌گذرد: صفحات آموزشگاه‌ها، اینستاگرام اساتید، کانال‌های تلگرامی، کلاس‌های آنلاین (به‌ویژه از ۱۳۹۸). کارکرد تفسیری این رسانه‌ها:

- عادی‌سازی حضور موسیقی در زیست روزمره (ویدئوهای کوتاه از کلاس/اجرای هنرجویی، روایت‌های والد-کودک).
- فیلتر پلتفرمی: الگوریتم‌ها محتواهای «کم‌خطر» را تقویت و محتواهای پرچالش را حاشیه‌ای می‌کنند؛ این خود نوعی تنظیم نرم است که با نظارت رسمی هم‌افزا می‌شود.

جایگزینی ژانر نقد با ژانر تبلیغ/آموزش کوتاه: گفتمان تخصصی انتقادی کم‌رنگ‌تر از گفتمان مهارت‌محور و «تجربه‌کاربر» می‌شود. (Hosseini & Soltani, 2021).

۸ (جنسیت و بدن در متن: راهبردهای پوشاننده

حتی وقتی نامی از «آواز زنان» برده نمی‌شود، متن‌ها از طریق قواعد صحنه، چینش گروه، پوشش و «قاب‌بندی اجرایی» بدن را نظم‌دهی می‌کنند. راهبردهای زبانی پوشاننده (مانند «هماهنگی با شئون») عمل «حذف» را به «هماهنگ‌سازی» ترجمه می‌کند و تبعیت داوطلبانه تولید می‌شود: نهاد آموزشی برای پرهیز از ریسک، از پیش خودسانسوری می‌کند. (قدرتی، ۱۴۰۲)

۹ (مرکز-پیرامون و سلسله‌مراتب سرمایه فرهنگی

در گفتار تبلیغی، «هنر اصیل ایرانی» و «زبان جهانی» هم‌زمان برجسته می‌شوند؛ اما موسیقی نواحی/حاشیه کمتر در بسته‌های آموزشی شهری دیده می‌شود. این نشان می‌دهد که گفتمان غالب، سرمایه فرهنگی مرکزگرا (تهران/کلان‌شهر) را

هژمونیک می‌کند و «تنوع قومی» بیشتر به‌عنوان «موضوع پژوهشی» در دانشگاه‌ها باقی می‌ماند تا برنامه‌ی جاری آموزشگاه‌ها (Soleimani, 2022).

۱۰ (پیوستار رسمی-غیرفرمال و راهبردهای برون‌رفت

تفسیر داده‌ها نشان می‌دهد کنشگران از پیوستار رسمی/غیرفرمال بهره می‌گیرند: آموزش رسمی برای کسب مشروعیت و شبکه‌های غیررسمی/آنلاین برای پوشش خلأها (سبک‌ها/موضوعات ممنوعه یا پرریسک). این دوگانگی کارکردی، سیاست‌ها را در سطح ظاهر «موفق» و در سطح عمل «چندمسیره» نگه می‌دارد. (نیکوکار و فرزانه، ۲۰۲۲).

جمع‌بندی تفسیری

در سطح تفسیر، سیاست‌های آموزشی موسیقی در دولت روحانی حاصل مفصل‌بندی گفتمان اعتدال با امنیت فرهنگی و بازار آموزشی پلتفرم محور است. متن‌ها/آیین‌نامه‌ها از طریق ابهام‌های سنجیده و سکوت‌های معنادار، مدیریت موردی را ممکن و خودتنظیمی نهادها را برمی‌انگیزند؛ تبلیغات و زبان پداگوژی، موسیقی را به‌عنوان «سرمایه‌ی تربیتی/سبک زندگی» مشروعیت می‌دهند؛ اما همین فرایندها، مرزهای کنترل هنجاری (به‌ویژه در جنسیت/سبک) را پایدار نگه می‌دارد. (حسینی و سلطانی، ۲۰۲۱).

به بیان دیگر، گفتمان غالب نه نفی موسیقی بلکه مشروط‌سازی پذیرش آن است: پذیرشی که با زبان «نشاط و تربیت» زیباشناسی می‌شود، با منطق «بازار» کارآمد می‌گردد و با قواعد «هدایت فرهنگی» مهار. این نتیجه‌ی تفسیری، راه را برای مرحله‌ی «تبیین» (پیوند با ساختارهای کلان قدرت، اقتصاد، سیاست و فناوری) هموار می‌کند.

۲-5- بررسی یافته‌ها در سطح تفسیر از متون قوانین آموزش موسیقی و

تاسیس مراکز آموزش موسیقی در دولت اعتدال

بررسی یافته‌ها در سطح تبیین

در این سطح، هدف پیوند دادن یافته‌های توصیفی/تفسیری با ساختارهای کلان قدرت، اقتصاد سیاسی، حقوقی-نظارتی و فناوری است تا روشن شود چرا آرایش نهادی و گفتمانی مشاهده‌شده پدید آمد و چگونه دوام یافت.

مرحله‌ی تبیین: سیاست‌های آموزش موسیقی در دولت روحانی

۱ (چارچوب نظری تبیین

برای تبیین، از چند رگه نظری بهره می‌گیریم:

- دولتی بودن چندمرکزی/دستگاه موازی: دوگانگی «دولت منتخب» و «نهادهای فرا دولتی فرهنگی-امنیتی» به‌عنوان سازوکار تعادل/انسداد. (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۴۰۲).

- اقتصاد سیاسی فرهنگ: گذار به «بازاری‌سازی خدمات آموزشی» زیر سایهٔ ریاضت/تحریم، و نقش شهریه/خصوصی‌سازی پوششی. (Hosseini & Soltani, 2021).

- حکمرانی از طریق ابهام (soft law): حاکمیت با قواعد کلی-تفسیر بردار، عمل محلی را تنظیم و مسئولیت را به سطح اجرا واگذار می‌کند. (Smith, 2020).

- میدان فرهنگی (بوردیو): رقابت کنشگران برای سرمایهٔ فرهنگی/نمادین و شکل‌گیری هژمونی رپ رت و اره‌ای «قابل‌مدیریت». (Soleimani, 2022).

- پلتفرمی‌شدن فرهنگ: دگرگونی زنجیرهٔ تولید-توزیع آموزش به‌واسطهٔ رسلنه‌های اجتماعی و کلاس‌های آنلاین (به‌ویژه پس از کرونا). (Kapa, 2023; Nikokar & Farzaneh, 2022).

این چارچوب‌ها به ما اجازه می‌دهد از «چگونگی سخن گفتن دربارهٔ موسیقی» فراتر رفته و «چرا چنین سخنی غالب شده» و «چگونه تثبیت شده» را توضیح دهیم.

(2) نیروهای ساختاری پیشران

2.1 دوگانگی ساخت قدرت و امنیت فرهنگی

ساختار سیاسی ایران با مرکزهای متعدد اقتدار (شورای عالی انقلاب فرهنگی، نهادهای نظارتی/امنیتی، و دستگاه‌های منتخب) تعریف می‌شود. (Karimi & Danghghan, 2021) خروجی این چینش:

- گشودگی مشروط: دولت منتخب امکان «تسهیل» دارد (مجوز آموزشگاه، کنسرت دانشجویی)، اما خطوط قرمز (جنسیت/سبک/صحنه) بیرون از اختیار کامل اوست. (Jafari, 2022).

مدیریت ریسک فرهنگی: حوزه‌هایی مانند آواز تک‌خوانی زنان یا پاپ، در سطح «ابهام اجرایی» نگه داشته می‌شوند تا تنظیم موردی ممکن بمانند. (Jalali & Hosseini, 2021).

2.2 اقتصاد سیاسی آموزش: بازار به‌مثابه ضربه‌گیر

تحریم‌ها/نوسانات ارزی بودجه عمومی فرهنگ را محدود می‌کند. دولت برای حفظ عرضه آموزشی به خصوصی سازی تکیه می‌کند:

- آموزشگاه‌ها با شهریه شناور و قراردادهای کوتاه‌مدت، بار اصلی عرضه را می‌کشند.

دانشگاه‌ها با هزینه‌فایده اجرایی، بخشی از کنش‌های عملی (آن سمبل/کنسرت) را به حامیان/شهریه/کارگاه‌های درآمدزا متصل می‌کنند. نتیجه: دوگانگی کیفیت/دسترسی برحسب طبقه و شهر؛ مرکز (کلان‌شهر) برخوردارتر از پیرامون. (Razavi, 2020; Manpadvi & Namakaran, 2022).

2.3 طبقه متوسط شهری و تقاضای مشروعیت

افزایش وزن فرهنگی طبقه متوسط، دولت را به مشروعیت‌بخشی تربیتی (نشاط، رشد شناختی کودک، زبان جهانی) سوق می‌دهد؛ زبانی که هم با بازار سازگار است و هم با نظارت هنجاری تعارض مستقیم ندارد. (Behrami, 1400).

2.4 پلتفرمی شدن و کرونا

از ۱۳۹۸ به بعد، آموزش آنلاین و ویتترین شبکه‌های اجتماعی، زنجیره آموزش را دگرگون می‌کند:

- جایگزینی بخشی از نهاد رسمی با پلتفرم‌ها (رزرو/پرداخت/کلاس).

تنظیم نرم: الگوریتم‌ها محتوای کم‌ریسک را تقویت می‌کنند و آموزشی «قلبل نظارت» اما ظاهراً آزاد می‌سازند. (Hosseini & Soltani, 2021; Kapa, 2023).

2.5 دیپلماسی فرهنگی کم‌هزینه

در بستر برجام/پسابرجام و سپس بازگشت تحریم، موسیقی دانشگاهی/نخبگانی به‌عنوان ابزار اعتدال‌نمایی و «نمایش فرهنگ» کارکرد نمادین می‌یابد؛ همکاری‌های محدود بین‌المللی تقویت می‌شود، اما در سطح نمادین باقی می‌مانند. (UNESCO, 2023).

3) سازوکارهای علی کلیدی

«3.1 اعتدال مشروط» به مثابه مفصل بندی هژمونیک

دال‌های کلی (نشاط/امید/زبان جهانی) هم‌زمان به دو قطب متصل می‌شوند: تسهیل بازار آموزشی و هدایت فرهنگی. این مفصل بندی، تعارض را به هم‌زیستی قابل مدیریت تبدیل می‌کند و گفتمان «پذیرش مشروط موسیقی» را هژمونیک می‌سازد (Khatami, 2024).

3.2 حکمرانی از راه ابهام و سکوت

عبارات کلی («رعایت موازین»، «پرهیز از ابتذال») معیارهای سخت را به تصمیمات موردی بدل می‌کند:

- انعطاف برای ناظر (قابلیت تعلیق/اجازه برحسب موقعیت).
 - خودنگاری برای کنشگر (پرهیز پیشینی از ریسک).
- خروجی: سازگاری بالا، تغییر ساختاری پایین (Smith, 2020).

3.3 برون سپاری فرهنگی و بازاری سازی

با کاهش ظرفیت دولت، عرضه آموزش به بخش خصوصی خرد و مدرسان-برندهای شخصی سپرده می‌شود. رقابت قیمتی/شهرتی کیفیت را در هسته شهری بالا می‌برد، اما شکاف فضایی-طبقاتی را تعمیق می‌کند. (Razavi, 2020).

«3.4 رسیمت بخشی به غیر رسمی»

سبک‌هایی که در آیین‌نامه‌ها نام‌ناپذیرند (پاپ/آواز زنان)، از کانال‌های نیمه رسمی (کارگاه‌های خصوصی/آنلاین) جریان می‌یابند؛ دولت با چشم پوشی گزینشی، سطحی از عرضه را تحمل و از انفجار تقاضا پیشگیری می‌کند. (Shabani, 2022).

3.5 لایه بندی جنسیتی بدن/صحنه

بدون تصریح قانونی، از طریق الزامات صحنه، پوشش، چینش گروه و مجوز اجرا، بدن زنانه مدیریت نمادین می‌شود؛ هنرستان/دانشگاه به تولید مهارت بدون امکان نمایش عمومی سوق می‌یابد—سازوکاری که «توانمندسازی خصوصی/مهار عمومی» را تثبیت می‌کند.

3.6 مرکزگرایی رپرتوار

در بازار آزاد تحت نظارت، رپرتوار «قابل فروش و قابل مدیریت» (کلاسیک غربی/ردیفی شهری) هژمونیک می‌شود؛ موسیقی نواحی بیشتر موضوع پژوهشی

می ماند تا برنامه جاری آموزشگاه‌های شهری. این سازوکار، سرمایه فرهنگی مرکز را بازتولید می کند (Soleimani, 2022؛ Savage, 2021).

4 پیامدهای ساختاری

۱. رشد کمی بدون جهش نهادی: تعداد آموزشگاه/برنامه‌ها بالا می رود، اما چارچوب‌های حقوقی-نظارتی تغییر نمی کنند؛ کیفیت وابسته به بازار محلی و سرمایه خانوادگی است (Soleimani & Mohammadi, 2020).

۲. دوگانه رسمی/پلتفرمی: مشروعیت رسمی + کارآمدی پلتفرم‌ها = انعطاف بالا، حقوق هنرجو/مدرس شکننده.

(Hosseini & Soltani, 2021).

۳. تعمق نابرابری‌های فضایی-طبقاتی: دسترسی و کیفیت در کلان‌شهرها، محدودیت و هزینه نسبی در پیرامون.

(Nikokar & Farzaneh, 2022)

۴. نُرْم شدن خودسانسوری: ابهام قاعده، خودتنظیمی را به هنجار حرفه‌ای بدل می کند (Jalali & Hosseini, 2021).

۵. پایداری خطوط قرمز جنسیتی/سبکی: تسهیل اجرا می شود، نه تغییر قاعده (Karimi & Danghghan, 2021).

۶. وابستگی مسیر: الگوی گشایش مشروط دهه ۸۰/۷۰ به صورت تکامل یافته تر ولی کم هزینه تر (پلتفرمی) بازتولید می شود.

(Razavi, 2021)

5 گزاره‌های تبیینی برای آزمون تجربی

• **P1:** هرچه وابستگی درآمدی آموزشگاه‌ها به شهریه خانوار بیشتر، سهم رپ رت و اره‌ای «کم ریسک/بازارپسند» (کلاسیک/ردیفی) بالاتر.

• **P2:** شدت حضور پلتفرم‌ها با کاهش تعارضات آشکار نظارتی (به واسطه فیلتر الگوریتمی و خودتنظیمی) هم‌بسته است.

• **P3:** در شهرهای با تراکم نهادهای نظارت فرهنگی، ابهام قاعده (در متن مجوز/بخش‌نامه) بیشتر و «تصمیم مودی» رایج تر است.

- **P4:** شکاف جنسیتی فرصت اجرا در هنرستان/دانشگاه با سطح ارزیابی هنجاری صحنه (کدهای پوشش/چینش) هم‌بستگی مثبت دارد.
- **P5:** حضور موسیقی نواحی در برنامه جاری آموزشگاه‌های شهری با سطح حمایت عمومی هدفمند (وام/یارانه آموزشی) رابطه مستقیم دارد؛ بدون آن، به حاشیه پژوهش رانده می‌شود.

6) دلالت‌های سیاستی

- از «تسهیل» به «اصلاح قاعده»: شفاف‌سازی معیارهای مجوز/رپرتوار به‌جای کلی‌گویی (کاهش سلیقه‌گرایی و خودسانسوری). (Smith, 2020).
- حمایت هدفمند ضد نابرابری: کوپن/یارانه آموزشی برای طبقات کم‌درآمد و شهرهای پیرامونی؛ تقویت زیرساخت هنرستان‌های استانی. (Behrami, 1400).
- حفاظت از حقوق آموزشی در پلتفرم‌ها: چارچوب‌های حداقلی برای قرارداد، حریم خصوصی، و ارزیابی کیفیت دوره‌های آنلاین. (Williams, 2022)
- تنوع‌بخشی رپرتوار: مشوق‌های مالی/اعتباری برای موسیقی نواحی و پروژه‌های میان‌رشته‌ای؛ ادغام آن در بسته‌های آموزشگاه‌ها (Savage, 2021).
- رفع تبعیض جنسیتی در آموزش/ارائه: بازنگری در قواعد صحنه و فراهم‌کردن مسیرهای نمایش عمومی امن و قانونمند. (Qodrati, 1402)

جمع‌بندی تبیینی

سیاست‌های آموزش موسیقی در دولت روحانی محصول برهم‌کنش سه‌گانه قدرت-بازار-پلتفرم در سایه امنیت فرهنگی و ریاضت اقتصادی بود. «اعتدال» به‌عنوان مفصل‌اندگفتامانی، پذیرش موسیقی را مشروط و «قابل‌مدیریت» کرد؛ بازار آموزشی و رسانه‌های دیجیتال، ظرفیت عرضه را افزایش دادند؛ اما نابرابری و خودسانسوری را نیز نهادینه کردند؛ و خطوط قرمز جنسیتی/سبکی، با حکمرانی از راه ابهام پایدار ماند.

بنابراین، تبیین نهایی این است: گشایش کم‌هزینه و بازگشت‌پذیر جای «اصلاح نهادی پایدار» را گرفت—الگویی که بدون بازطراحی قواعد حقوقی—نظارتی، صرفاً کمیت را می‌افزاید و کیفیت/برابری/آزادی آموزشی را به بازار و ابهام واگذار می‌کند.

نتیجه گیری:

بررسی سیاست‌های آموزش موسیقی در دولت تدبیر و امید در چارچوب رویکرد سه‌سطری فرکلاف نشان داد که این گفتمان، اگرچه با شعار «اعتدال» و «تدبیر» وارد میدان شد، نتوانست اصلاح نهادی و ساختاری پایدار در حوزه موسیقی ایجاد کند. بیشتر سیاست‌ها در سطح گشایش‌های مقطعی و کم‌هزینه باقی ماند و در عمل، عرصه موسیقی را به فضایی دوگانه، مبهم و متناقض بدل کرد.

از منظر توصیفی، قوانین و آیین‌نامه‌ها بر قانون‌مداری، نظم اداری و مشروعیت‌بخشی زبانی تأکید داشتند، اما با سکوت‌های معنادار و عبارات‌های کلی‌گویی (مانند «رعایت موازین»، «پرهیز از ابتذال») امکان تفسیر سلیقه‌ای و برخوردهای غیرکارشناسی را فراهم ساختند.

در سطح تفسیری، گفتمان اعتدال از یک‌سو بر دال‌هایی چون «نشاط اجتماعی»، «فرهنگ ملی» و «زبان جهانی» تأکید می‌کرد و موسیقی را به‌عنوان بخشی از سرمایه فرهنگی و سبک زندگی طبقه متوسط مشروعیت می‌بخشید؛ اما از سوی دیگر، با بازتولید خطوط قرمز ایدئولوژیک (جنسیت، سبک، صحنه) عملاً موسیقی را در جایگاه «حق مشروط» نگه داشت.

در سطح تبیینی، نتایج نشان داد که سیاست‌های آموزشی موسیقی محصول برهم‌کنش سه‌گانه قدرت-بازار-پلتفرم بود. نهادهای فرا دولتی و امنیتی کنترل محتوایی و نظارتی را اعمال می‌کردند، خصوصی‌سازی و گریه‌محوری بار اصلی آموزش را به دوش خانواده‌ها می‌گذاشت و پلتفرم‌های دیجیتال پس از کرونا به بستر اصلی آموزش بدل شدند. این روند به رشد کمی آموزشگاه‌ها و هنرستان‌ها انجامید، اما در کنار آن، نابرابری فضایی-طبقه‌ای، تبعیض جنسیتی و خودسانسوری نهادی را تعمیق کرد.

هم‌زمان، واقعیت‌های میدانی نشان داد که وضعیت موسیقی در دوران روحانی با بحران‌های جدی همراه بود. بسیاری از هنرمندان به کاهش انگیزه‌ها، انزوای اهل فن و حتی مهاجرت اشاره کرده‌اند (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۶). تعطیلی بی‌دلیل کنسرت‌ها، محدود شدن رشته‌های موسیقی در دانشگاه‌ها، حاشیه‌نشینی اساتید تراز اول و تضعیف نهادهای صنفی همچون خانه هنرمندان، همه بیانگر تناقض میان شعارهای اعتدال و واقعیت‌های اجرایی بود. نمونه‌ی برجسته‌ی این شکاف، دور

شدن چهره‌هایی چون استاد شجریان از ارزش‌های رسمی بود که اعتماد جامعه‌ی هنری را بیش از پیش سست کرد.

بنابراین، نتیجه‌ی نهایی این است که گفتمان اعتدال، علی‌رغم برخی تلاش‌ها برای توسعه و قانون‌مداری، نه‌تنها موفق به ترمیم شکاف‌های نهادی و فرهنگی نشد، بلکه با سیاست‌های دوپهلوی و مبهم، فضای موسیقی را بیش‌ازپیش دچار ناامنی، بی‌اعتمادی و نابرابری ساخت. موسیقی در این گفتمان، به‌جای آنکه به ابزار تثبیت جامعه‌ی مدنی و عدالت فرهنگی بدل شود، در مسیر روندی فرسایشی و گاه ویرانگر قرار گرفت. از این منظر، آینده‌ی آموزش موسیقی در ایران نیازمند بازنگری جدی در سیاست‌گذاری‌هاست؛ شفاف‌سازی معیارهای صدور مجوز و رپرتوار، حمایت هدفمند از طبقات کم‌برخوردار و مناطق محروم، رفع محدودیت‌های جنسیتی، تنوع‌بخشی به رپرتوار از طریق موسیقی نواحی و تقویت نهادهای صنفی و مدنی می‌تواند بخشی از این مسیر اصلاحی باشد. همچنین، تنظیم‌گری هوشمندانه بر پلتفرم‌های آموزشی دیجیتال باید به‌گونه‌ای صورت گیرد که ضمن بهره‌گیری از ظرفیت‌های نوین فناوری، حقوق هنرجویان و مدرسان نیز تضمین گردد.

منابع:

- صالحی، امیری، سید رضا مرتجائی، سوده، غلامرضا امیرخانی، (1401)، ارزیابی سیاست‌های فرهنگی پس از انقلاب اسلامی در حوزه حفاظت از میراث فرهنگی) با تاکید بر میراث مستند و مکتوب، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات / نشریه آنلاین سال 1401
- فاطمه، نجف‌زاده، حیدرپور، ماشاءالله، ترابی، محمد، (1400)، تحلیل سیاست‌گذاری عمومی ایران در مقابله با تحریمهای یکجانبه آمریکا از منظر قدرت نرم، فصلنامه علمی قدرتهای نرم، سال یازدهم شماره سوم) پیاپی (26، پائیز 140، 153-177)
- فرخی، علیرضا، جهانگیری، جهانگیر، (1400)، گفتمان فرهنگی دولت نهم و دهم، فصلنامه علمی - سال دوازدهم - شماره دوم تابستان 1400، 111-134
- اسدپور، یاشار؛ تکتم، فرمان‌فرمایی؛ عباسعلی، قیومی، (۱۴۰۰). مطالعه تولید موسیقی بعد از انقلاب اسلامی و ارائه الگوی مدیریت هنری آن. مدیریت فرهنگی. ۵(۵۳). ۷۹-۱۰۵
- -چلنگر، زهرا سادات، کوثری، مسعود. (۱۳۹۶). مطالعه سیاست‌های موسیقایی در ایران. جامعه فرهنگ رسانه، ۶(۲۳)، ۶۱-۸۴.
- آگاه، وحید، (1396)، تحلیل نظام صدور مجوز اجراهای صحنهای موسیقی و نظارت بر آن در ایران ، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال بیستم، شماره 59، تابستان 1397
- ملکان، مجید و موهن، کاظم، (1394)، سیاست‌گذاری موسیقی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه رسانه-35(2)26.
- قدیرلو، کمیل، جانقریان، مریم (۱۳۹۳). مقدماتی در باب سیاست‌گذاری موسیقی در جمهوری اسلامی ایران ارائه راهکارهای مناسب برای تحقق سیاست‌ها. دین و سیاست فرهنگی. (۱). ۴۵-۶۶.
- — خبرگزاری مهر. (۱۳۹۸). تحلیل وضعیت موسیقی در ایران. مهر نیوز. <https://www.ehrnews.com/music>

- روزنامه همشهری. (۱۳۷۸-۱۴۰۰). آرشیو مقالات. بازیابی شده از
<https://newspaper.amshahrionline.ir>
- خبرگزاری تسنیم مهیر، (۱۳۹۸)، آرشیو مقالات. بازیابی شده از
<https://www.ehrnews.com>
- پایگاه خبری تحلیلی موسیقی ایران، (۱۳۹۶)، آرشیو مقالات. بازیابی شده از
<https://www.usicema.com>
- معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. آرشیو بخش نامه‌ها و دستورالعمل‌های موسیقی. ارزیابی شده از
<https://honari.farhang.gov.ir>
- خبرگزاری خبر آنلاین، (۱۳۹۵)، آرشیو مقالات. بازیابی شده از
<https://www.habaronline.ir>
- اسلامی، ف. (۱۴۰۱). بررسی تحلیلی و انتقادی موسیقی هیپ‌هاپ با رویکرد فرکلاف. مجله پژوهش‌های فرهنگی معاصر، ۸(۳)، ۶۱-۸۳.
- ایرنا. (۱۴۰۱، شهریور ۸). توسعه رشته‌های هنری در هنرستان‌های وزارت ارشاد. بازیابی شدن از <https://www.irna.ir/news/84856283>
- بهرامی، م. (۱۴۰۰). تحلیل انتقادی گفتمان فرهنگی و سیاست‌های موسیقی در ایران. تهران: انتشارات پژوهش هنر.
- جلالی، س.، و حسینی، ف. (۱۴۰۰). موسیقی در فقه اسلامی و چالش‌های سیاستی. مجله مطالعات دینی و فقه معاصر، ۱۰(۲)، ۵۵-۷۸.
- حسینی، ر.، و سلطانی، م. (۱۴۰۰). نابرابری‌های دیجیتال و دسترسی به موسیقی در ایران. مجله سیاست‌گذاری فرهنگی، ۹(۲)، ۷۲-۹۰.
- رک‌ها. (۱۴۰۱). بررسی دسترسی دیجیتال به موسیقی در ایران. پایگاه خبری رک‌ها.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۴۰۱). ساختار و اعضای شورا. تهران: دبیرخانه شورا.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۴۰۲). سند ملی موسیقی کشور. بازیابی شدن از <https://www.asriran.com/fa/news/949521>

- قدرتی، م. (۱۴۰۲). تحلیل گفتمان مدیریت دولتی ایران در بخش توسعه گردشگری (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علامه طباطبایی.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۴۰۱). گزارش وضعیت موسیقی کشور (۱۳۹۲-۱۴۰۰). تهران: دفتر موسیقی.
- نیکوکار، ل. و فرزانه، ا. (۱۴۰۱). فناوری بر موسیقی مستقل. فصلنامه نوآوری در هنر، ۴(۲)، ۹۸-۱۱۲.
- شعبانی، پ. (۱۴۰۱). نقش انجمن‌های هنری و خانگی موسیقی در توسعه فرهنگی ایران. فصلنامه مطالعات هنر معاصر، ۹(۳)، ۳۲-۵۰.
- کریمی، ن.، و دنگغان، ف. (۱۴۰۰). شبکه سیاست‌گذاری موسیقی در ایران. فصلنامه مطالعات فرهنگی و هنری، ۸(۲)، ۴۱-۶۵.

استناد:

نحوی محمد، هادی پیکانی مهربان، شریفی سعید، ابراهیم زاده رضا. تحلیل گفتمان انتقادی سیاست‌های آموزش موسیقی و مراکز آموزش موسیقی در دولت تدبیر و امید. فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران. doi: 10.30510/pscci.2025.490886.1147, 1405; 5(1): e232865.

- Timo Koren, (2022) , The work that genre does: How music genre mediates gender inequalities in the informal work cultures of Amsterdam's nightclubs , journal homepage: www.elsevier.com/locate/poetic page 1-11 •
- Patrick E. Savage ,Mason Youngblood, Karim Baraghith, (2021) , Phylogenetic reconstruction of the cultural evolution of electronic music via dynamic community detection (1975–1999) , Evolution and Human Behavior 42 (2021) 573–582, journal homepage:www.elsevier.com/locate/ens •
- Arno van der Hoeven, Erik Hitters , (2020) ,The spatial value of live music: Performing, (re)developing and narrating urban spaces, journal homepage: www.elsevier.com/locate/geoforum , page 1-11 . •
- Arno van der Hoevena,, Erik Hittersb, (2019) , The social and cultural values of live music: Sustaining urban live music ecologies , page 1-16.** •
- Kammales Photikanit , Patcharin Sirasoonthorn , (2018) , Reconstruction of social ideology through the power of music:Case study of Suntaraporn band, Thailand , page 343-350. •
- Hosseini, R., & Soltani, M. (2021). Digital inequalities and access to music in Iran. Journal of Cultural Policy, 9(2), 72–90. •
- Jafari, S. (2022). Analysis of music policy developments in Iran in the 1990s. Journal of Cultural Policy, 10(2), 41–59. •
- Jalali, S., & Hosseini, F. (2021). Music in Islamic jurisprudence and policy challenges. Journal of Contemporary Religious Studies, 10(2), 55–78. •
- Kapa, K. (2023). Platformization in the music industry: How physical-to-digital product shift transformed Dutch music business ecosystems (1990–2016). Journal of Media Business Studies, 19(1), 34–52. •

- Khatami, R. (2024). Digital support policies in contemporary Iranian music. *Quarterly Journal of Art and Media*, 16(1), 85–101.
- Manpadvi, R., & Namakaran. (2022). Chalesh-haye eghtesadi dar hozeh mosighi Iran. *Majaleh Pajouhesh-haye Eghtesadi Farhangi*, 4(3), 23–47.
- Nikokar, L., & Farzaneh, E. (2022). Fanavari bar mosighi mostaghel. *Manpannama-ye Noavari dar Fanavar*, 4(2), 98–112.
- O'Donoghue, J., Egan, B. G., Moss, H., & Clements-Cortés, A. (2021). Engagement in group music therapy: A preliminary study of the experiences and perceptions of adolescents who stutter. *Nordic Journal of Music Therapy*, 30(1), 23–42.
- Razavi, M. (2020). The role of parliament in formulating laws related to digital music. *Journal of Law and Culture*, 7(2), 54–72.
- Razavi, F. (2021). The evolution of music in Iran after the imposed war. *Quarterly Journal of Art and Media*, 8(1), 55–74.
- Savage, P. (2021). Phylogenetic reconstruction of cultural evolution in electronic music in NYC through dynamic community detection (1975–1999). *Journal of Cultural Analytics*, 6(2), 88–110.
- Shabani, P. (2022). Naqsh anjoman-haye honari va khanegani mosighi dar toseh farhangi Iran. *Faslnameh Motaleat Honar Moaser*, 9(3), 32–50.
- Smith, L. (2020). Regulatory shifts in the digital era: Implications for business. *Harvard Business Law Review*, 12(4), 88–103.
- Soleimani, M. (2022). A study of the status of music education in Iranian universities. *Journal of Higher Education and Art*, 9(1), 64–83.
- Soleimani, M., & Mohammadi, N. (2020). The impact of traditional and digital media on the promotion of art and music. *Journal of Culture and Media*, 12(4), 69–88.

- UNESCO. (2023). Intangible cultural heritage programme overview. <https://ich.unesco.org>
- Williams, T. (2022). Data privacy laws and corporate compliance: A global overview. *Data Law Journal*, 18(3), 112–135.